



زنان اساطیری

زن در اسطوره، تاریخ، حماسه

تألیف:

محمد بن محمد

انتشارات نوآوران سینا



سرشناسه	:	مجدم، محمدحسین، ۱۳۲۴
عنوان و نام پدیدآور:	:	زنان اساطیری: زن در اسطوره، تاریخ، حماسه/
نویسنده محمدحسین مجدم.	:	
مشخصات نشر:	:	تهران: نوآوران سینا، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری:	:	۲۶۸ ص: جدول؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک:	:	۹-۱۲-۸۵۳۴-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی:	:	فیبا
یادداشت:	:	کتابنامه به صورت زیرنویس.
عنوان دیگر:	:	زن در اسطوره، تاریخ، حماسه.
موضوع:	:	زنان - اساطیر
موضوع:	:	Women - Mythology
موضوع:	:	اساطیر ایرانی
موضوع:	:	Mythology, Iranian
موضوع:	:	ایران - تاریخ - دوران اساطیری و افسانه‌ای
موضوع:	:	Iran - History, Mythological and legendary
رده بندی کننده:	:	BL۳۲۵ / ۹۳ ۱۳۹۵
رده بندی دیویی:	:	۲۹۱/۲۱۴
شماره کتابشناسی:	:	۴۴۰۷۵۲۷

زنان اساطیری

(زن در اسطوره، تاریخ، حماسه)

تألیف: محمدحسین مجدم

شابک: ۹-۱۲-۸۵۳۴-۶۰۰-۹۷۸

تعداد صفحات: ۲۶۸ صفحه

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۵

طراح جلد و صفحه‌آرا: هادی آزاد

شمارگان: ۱۰۰۰ عدد

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

ناشر: نوآوران سینا (حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.)

تهران خیابان کارگر شمالی، خیابان نصرت، نرسیده به دکتر قریب، پلاک ۱۴۰

واحد ۱۹/ تلفن: ۶۶۹۲۸۰۲۶

www.sinapub.com



فهرست مطالب

۱۱	پیش گفتار
۱۹	نشانه های آوانگاری
۲۱	اباگیش
۲۱	ابان دختر
۲۱	آپامه
۲۲	آترین
۲۳	آتوسا
۲۵	آدریان
۲۵	آذرهمایون
۲۶	آرتا اینت
۲۶	آرتادخت
۲۶	آرتاو زوسترا
۲۷	آرتمیس
۲۷	آرتیس تن
۲۸	آرمییتی
۲۸	آرزو
۳۱	آریادخت
۳۱	آزاده

۳۳	آزرمی دخت (آزرم)
۳۶	آمس تریس
۳۷	آمی تیس
۳۷	آمی نیتس
۳۸	آناهیتا
۴۰	ارشتات
۴۰	ارندش
۴۱	ارنوا
۴۵	اسپ
۴۷	استروسی
۴۷	اشی ونگوهر
۴۸	ایستر
۴۸	ایشتار
۴۹	ایشمه کراب
۵۰	بااو
۵۰	بانوگشپ
۵۱	به آفرید
۵۳	پان ته آ
۵۶	پنوروچیستا
۵۶	پروشات

۵۸	پرین
۵۸	پوران دخت
۶۴	تهمینه
۶۸	جاماسپیه
۶۸	جایره
۷۷	حیرزاد
۷۷	چیستا
۷۸	دلارای
۷۹	رام بهشت
۷۹	ردگون
۷۹	رستان
۸۰	روتک بانو
۸۰	روته استونا
۸۰	روته بامه
۸۰	رودابه
۹۰	روشنک - رکسانا
۹۳	زربانو
۹۴	سپینود
۹۷	سمن ناز
۱۰۳	سودابه

۱۱۵	سوسن رامشگر
۱۱۹	سهی
۱۲۲	سیسنگ
۱۲۳	سیندخت
۱۳۸	شنبلید
۱۳۸	شوشین دخت
۱۳۸	شهرناز
۱۳۸	شهر
۱۳۹	میر
۱۴۵	فران
۱۴۹	فرنگیس
۱۵۹	قیدافه
۱۶۵	کاساندان
۱۶۵	کتایون
۱۷۴	کشم
۱۷۵	گردآفرید
۱۸۱	گردیه
۱۹۰	گلشهر
۱۹۶	گلنار
۱۹۹	گوهرملک

۲۰۰	مالکه
۲۰۰	ماندان
۲۰۱	ماه آفرید
۲۰۵	ماه بانو
۲۰۵	مهریم
۲۰۷	مسک
۲۰۷	منیژه
۲۱۴	مهران دخت
۲۱۴	مهرنگار
۲۱۵	نار
۲۱۵	ناروندی
۲۱۵	نازپری
۲۱۶	ناهید
۲۱۶	نسرین نوش
۲۱۶	نوشه
۲۲۰	نیوندخت
۲۲۱	واشگاری
۲۲۱	وزک
۲۲۱	وشتنی
۲۲۲	ونهوفدري

۲۲۳	همای
۲۲۷	هووی
۲۲۹	پیوست ها
۲۲۹	چهار دختر مرد آسیابان
۲۳۱	دایه زن سام
۲۳۱	دختر اردوان
۲۳۴	دختر خاقان
۲۳۷	دختر مفتواد
۲۳۸	دختر مهرک نوش زاد
۲۴۲	زن انوشیروان
۲۴۳	زن بهرام
۲۴۴	زن تاجدار
۲۴۶	زن مرد دهقان
۲۴۷	کنیز نگهبان شاپور
۲۴۸	مادر برزو
۲۵۵	مادر زال
۲۵۶	مادر سیاوش
۲۵۷	مادر کسری
۲۶۰	همسر هرمز
۲۶۳	منابع و موآخذ



پیش گفتار

«در مقام تمثیل، گاه زن را مقیاسی برای برتر شمردن ارزش های مرد وسیله نمایش او قرار داده اند و از همین رهگذر هم لغات و تعبیراتی در زبان عامه و متداول شده است چون: زن آسای، زن صفت، زن سیرت و غیره»

به سبب چنین غرض تلقی از زن بود که برآن شدیم تا این اثر «زن، اسطوره، تاریخ، حماسه» را برعهده گیریم و نشان دهیم آن گونه نیست که در فرهنگ عوام جا افتاده است که زنان فقط خانه نشینند، فردوسی از زبان رستم در پاسخ پدر که او را از جنگ با افراسیاب منع می کند، می گوید:

چنین گفت رستم به دستان سام که من نیستم مرد آرام و جام

کنون گر بترسم ز پور پشنگ ندانم ز من در جهان بوی و رنگ

زنان را از آن نام ناید بلند که پیوسته در خوردن و خفتند^۱

(۵۰-۵۵ ح)

در این پژوهش برآنیم که اثبات کنیم که نه تنها زنان فاقد نشانی نیستند بلکه در بسیاری از فعالیت های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، آبادانی و عمرانی کشور در دوران خود «تاریخ ساز» و «حماسه ساز» بوده و نقش های حساس و کلیدی را بر عهده داشته اند.

۱-چهره زن در شاهنامه- مقاله ی دکتر محمد دبیرسیاقی در کتاب «فردوسی، زن و ترازوی»

ناصر حریری، ص ۷۵

۲-شاهنامه چاپ مسکو



آنان در تمامی امور سیاسی و فرهنگی کشور دخالت داشته‌اند بانوانی فرهیخته و جنگاورانی که در کنار پدر، برادر، فرزند و همسر، پیشاپیش سربازان و فرزندان در میدان جنگ بدون واهمه از مرگ و اسارت حرکت می‌کردند.

آنان در امور اقتصادی صاحب نظر بوده و خزانه داری و وزارت کشور را که از مهم‌ترین پست‌های مملکتی بوده بر عهده داشته‌اند.

برخی از آنان به نیابت از فرزندان حکمرانی کرده و به دلیل شخصیت اسواری که داشته‌اند نه تنها در میان مردم محبوبیت زیادی کسب کرده‌اند بلکه نامشان در تاریخ ماندگار شده است.

آنان در زمانی برجسته، همسرانی خردمند و طرف مشورت با پدران، برادران، همسر و فرزندان خود بوده‌اند.

«آنان سرجه‌باز در تمام عیار هستند در عین برخورداری از فرزندی، بزرگ منشی و منی سرری از جوهر زنانه نیز به نحو سرشاری بهره‌مندند. آنان سعادت خویش را در سعادت مردان خویش می‌دانند در عین پارسایی و بی‌ادعایی همراه با شرم و فرزندان خود مردانه در راهی گام بر می‌دارند که باید به پیروزی نیکی بر بدی منتهی گردد.»^۲

برخی از زنان اساطیری، نیز زنی هستند که در بسیاری از امور با مردان برابری می‌کنند و در جایی که مردان به تن بست‌های فکری و عملی می‌رسند، این بانوان دلیرانه مسئولیت‌های بزرگی را می‌پذیرند. اینان نه بازیچه دست مردانند و نه مرغمان زنان، در قفس‌های حرامسرا، آنان انسان‌های آزاده و پاکیزه‌اند و شادی و آسودگی به خانه و شهر خویش می‌آورند. این بانوان سربلند می‌زیند و تنها در زیر داس تقدیر به زانو در می‌آیند و درهم می‌شکنند.^۳

۳-مقاله "مردان و زنان شاهنامه" از دکتر محمد علی ندوشن از کتاب "فردوسی، زن و نژادی" ناصر حریری

۴-زنان افسانه‌های رستم ص ۹۲.

در یشت ها، به ویژه در یشت سیزدهم، فروردین یشت و یشت نوزدهم زامیاد یشت نام ده ها زن پارسا در کنار "گویان" بزرگ به چشم خورد. اما اکثر این زنان در حماسه ملی نقشی ندارند.

در میان این گروه چند زن را در روایت های کیانی شاهنامه باز می شناسیم "هومایا" دختر گشتاسب و "واریدکیا" که در شاهنامه همای و "به آفند" خوانده شده اند و هر دو دختران گشتاسب اند که اسفندیار آن را از بند "ارجاسب" در روین دژ آزاد می سازد.

از "هوسر" زن پارسای گشتاسب نامی نیست ولی شاید آن زن هوشمند و خردمندی را می بینیم که به شهنشاه پارس را از بلخ به شوهرش گشتاسب می رساند، اشاره ای باشد به هوسر زن پارسای گشتاسب که در اوستا ارجی دارد.

در روایت های کیانی شاهنامه زنان بزرگی به صحنه می آیند که هر یک در نقش خود کمال زنانه را جلوه گر می سازند. در کتاب "زنان نامور شاهنامه" آمده است:

در شاهنامه فردوسی، در کنار مردان پهلوان، زنان سجاع خردمند نیز مشاهده می شوند که از لحاظ روحیات و عمل کردها، در صحنه های بزم و رزم دارند، جزء قهرمانان حماسه آفرین باید به شمار آیند. آوردند از جمله:

رودابه، دختر مهرباب، پادشاه کابل، همسر زال و مادر رستم جهان پهلوان است که از کارهای برجسته و حماسی گونه او به هنگام آشنایش با زال، زمانی که زال برای دیدارش شب هنگام به پای دیوار قصر او می رسد، با آویزان کردن دو گیسوی بلندش از بام قصر زال را به نیروی موهایش بالا می کشد و ملاقات این دو دل داده انجام می گیرد:



فروهشت گیسو از آن کنگره

به دل زال گفت این کمندی سره

پس از باره رودابه آواز داد

که ای پهلوان بچه گرد زاد

(۱-۱۷۲-۷۷ح)

تهمینه، دختر پادشاه شهر سمنگان و مادر سهراب، که ضمن دارا بودن پاکدامنی، عشق خود را شجاعانه به رستم اظهار می دارد و از ازدواج او با جهان پهلوان ایران، سهراب زاده می شود و تراژدی مشهور رستم و سهراب در شاهنامه شکل می گیرد.

گردآه، دختر ایرانی که در جنگ با سهراب نبردی دلیرانه می کند و بر زیرک خود را از چنگ او می رهاوند و هنگامی که سهراب می فهمد که او دختر است

شگفت آمدش است ایران سپاه چنین دختر آید به آوردگاه

(۲-۱۸۶-۲۲۹)

کتایون، دختر پادشاه روم به دسر گشتاسب و مادر اسفندیار که با نصایح دلسوزانه و آگاهانه خود، اسفندیار را از جنگ با رستم پرهیز می دهد.

فرانک، مادر فریدون که پس از کشته شدن شوهرش آبتین به دست ضحاک تازی، پسر خود را به طور پنهانی و در غار جم جم دژخیمان ضحاک در مرغزاری می پرورد تا واقعه قیام کاوه علیه ضحاک رخ دهد و فریدون پادشاه ایران گردد. و ده ها مورد دیگر

هم چنین در دوران تاریخی به زنان و بانوانی شجاع بر می خوریم که هر کدام تاریخ ساز روزگار خودند.

مالکه، دختر طائر عرب از سوی مادر ایرانی است به شاپور ذوالاکتاف دل می بندد و فداکاری هایی از خود نشان می دهد.



پوران دخت و آزرمی دخت هر کدام که در اواخر عصر ساسانیان به سلطنت می‌رسند،^۶

در داستان‌های تاریخی ایران، شاهد نمونه‌های بسیار جالب و زیبایی از هشدارها و زنده‌های زنان هستیم که پدران، شوهران، و پسران خود را از انجام اشتباهات برچذر داشته و آنان را به اتخاذ روش صحیح و هدف روشن‌تری می‌نموده‌اند.

در برزنامه بعد از قرار افراسیاب با برزو مبنی بر کشتی رستم، شهر و مادر برزو از این کار خلع می‌شود:

چو بشنید مادر غلام بر شید	سرشکش ز دیده به رخ برچکید
خروشان و جوشان به شمت کن	که کرده است هر کس بدین گونه کس
به روز جوانی به زر و درم	مشو غره جان را مگردان درم
به دینار و دیبا و اسب و کنیز	خن خوار ای پور جان عزیز
که این شاه توران فریبنده است	بدی را همه سال کوشنده است
بسی بی پدر کرده فرزند را	بسی بی پسران برومند را
بسا کس که کشتش سراز تن جدا	به گفتار از دیونر ازدها
ز بهر فرونی تو این رنج تن	ز دل دور کن از و بیخشت کن

(۸-۸۵ - ررنامه)

هم چنین در نبرد نهایی که میان رستم و برزو در می‌گیرد، رستم خنجر کشیده می‌خواهد سینه برزو را بدرد که شهر و به کار زار می‌شتابد و بر رستم بانگ می‌زند:

۶- قلمرو ادبیات حماسی - ج دوم حسین رزمجو، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،



بخواهیش کشتن بدین دشت زار نترسی ز یزدان پروردگار
 که گاهی نبیره کشی گاه پور بهانه ترا کین ایران و تور
 ترا خود به دیده درون شرم نیست جهان را به نزدیکت آرم نیست

(۷۳-۱۷۴۵-برزنامه)

شهر و نه تنها فرزند را پند می دهد و بر رستم می تازد بلکه افراسیاب
 را نیز به محاکمه می کشاند.

در گرشاسب نامه، شاه زابلستان پس از آگاهی از بودن جمشید در خانه
 "سمن" شاه دامان می شود و تصمیم می گیرد که او را نزد ضحاک
 بفرستد و گنج فراوان به دست آورد اما سمن ناز او را بر حذر می دارد:

مشو گفت در خون شاهچنین که بد نام گردی به روی زمین
 هم از خونس تاب ایران کین بود هم از هر کس بر تو نفرین بود
 بترس از خداوند جبار روان که هست او توانا و ما ناتوان
 گرایدر نگیردت فرجام کا بگیرد به پاداش روز شمار

(۳۴-۶۰-گرشاسب نامه)

دختر باهشدار و گوشزد کردن جوانمردی به پادشاه و انداکاری را تابدا نجا
 می کشاند که:

گر او را جدا کرد خواهی زمن نخستین جدا کن رمن زن

(۳۷-۶۰-همان)

زنان نیز در هنگام اسارت نیز غرور و سربلندی خود را حفظ کرده
 و با احاطه بر کلام و خرد و برتری اندیشه، سطوت و قدرت دشمن را
 به ریشخند می گرفتند. دختران جمشید شاه ارنواز و شهرناز، که به

صورت غنایم جنگی با خیلی زنان درباری و غیر آن به اسارت ضحاک درآمد بودند، در هنگام اسارت، قربانی هوس های ضحاک نشده بودند و به خصوص ارنواز با اعمال سیاست و مشاوره، برتری اخلاقی و ذهنی خود را به ضحاک ثابت کرده که عمل به رهنمودهای او نشان از اهمیت دادن ضحاک به زن اسیر ایرانی است.^۲

زنانی که در اثر به معرفی آنان اقدام شده است، هریک دارای ویژگی های بارزی هستند که در ذیل به برخی از این ویژگی ها پرداخته شده است:

- ۱- فعال و کناره سر
- ۲- پرشور و بیگانه
- ۳- دخالت در امور سیاسی و فرهنگی کشور
- ۴- اشتیاق در تربیت فرزندان
- ۵- فرهیخته
- ۶- هوشمند و داهی
- ۷- فرهنگدار و صاحب نظر در امور اقتصادی
- ۸- رایزن مناسب برای همسر، پدر و فرزند.
- ۹- خزانه دار و اداره کردن وزارت کشور
- ۱۰- چرخاندن امور اجتماعی
- ۱۱- نیابت از سلطنت
- ۱۲- شرکت مستقیم در جنگ ها و پیشا پیش لشکر حرکت کردن
- ۱۳- دادآوری و راستی و درستی
- ۱۴- نمایه ای از پیماننداری و وفاداری
- ۱۵- بنیان گذار سلسله پادشاهی

۱۶-ملکه های کاردان

۱۷-راهبری آزادگان

۱۸-پشتیان علم و ادراک

۱۹-مهارت در تیراندازی و چابک سواری

۲۰-مشاور فرزند در شکل گیری سلطنت

۲۱-توجه به آبادانی شهرها و کشور

۲۲-دانایی و توانایی و اندیشه وری

۲۳-هوشیاری و حاضر جوابی و جسارت در برابر شاهان ستمگر

۲۴-

در تنظیم مآلایب ابیات منقول از شاهنامه فردوسی، از چاپ مسکو استفاده شده و در پایان، ابیات ۳ عدد ذکر گردیده است:

عدد اول سمت راست همان کننده جلد، عدد وسط شماره صفحه آن جلد، و عدد سمت چپ شماره بیت به همان ترتیب چاپ یاد شده است. چنان چه در شاهد مثال پیش از یک بیت ذکر شده، فقط شماره آخرین بیت آورده شده و شماره دیگر ابیات ذکر نشده است.

در این جا لازم می داند، از کارکنان علمی انتشارات نوآوران سینا و به ویژه از دوست دانشمندم جناب آقای دکتر شهبازی کوهستانی که با چاپ این کتاب موافقت نمودند، تشکر نماید.